

عوامل و پیامدهای نابرابری جنسیتی در افغانستان

اقلیما حسین خیل؛ عضو آکادمی رهبری زنان

چکیده

نابرابری جنسیتی نوعی ایدیولوژی مبتنی بر برتری یک جنس بر جنس دیگر است که در بیشتر نمونه ها به صورت اعتقاد به برتری جنس مذکر و تلقی زن به منزله موجودی که از نظر فکری، روانی و جسمی پست تر از مرد است جلوه گر میشود. همه ما میدانیم افغانستان کشوری است که در طول تاریخ شاهد نابرابری ها علیه زنان بوده است.

حقیقت غیر قابل انکار این است که نظم خانواده در افغانستان استوار بر نظام مرد سالارانه است، ناهنجاری های که زنان در زمینه نابرابری جنسیتی متقبل میشوند ریشه در محیط خانوادگی دارد.

در پهلوی آن عوامل فرهنگی و نفوذ عمیق آداب و رسوم نیز شامل میشود و سنت های سخت گیرانه نیز از همین فرهنگ تغذیه می شوند. که در چهارچوب آن محرومیت ها، بحران هویت فرهنگی و برداشت های نادرست جامعه از زنان بوجود می آید.

عامل دیگر چنین نابرابری ها تعارض با برداشت های حاکم دینی است، بعضا این نهاد و روحانیون برابری کامل مرد و زن را برخلاف ارزش های اسلامی و مضر به حال اجتماع میدانند؛ و یک نوع تعارض را میان ارزش های حقوق بشری از جمله برابری جنسیتی و احکام اسلامی به میان می آورند.

عوامل سیاسی نیز در بستر سازی نابرابری ها نقش دارند که از آن جمله: خودکامگی و استبداد حکومت ها علیه زنان، وجود حکومت های عرفی، جنگ های تحمیلی و عدم تعهدات بین المللی موجب شده تا زنان از نظر سیاسی نیز قشر آسیب پذیر باشند.

نابرابری اقتصادی یکی دیگر از عوامل تبعیض جنسیتی است، که به گونه ای متفاوتی در افغانستان اتفاق می افتد که مهم ترین آن عدم دسترسی زنان به وضع اشتغال مساویانه و عدم استقلالیت مالی میباشد.

این پدیده اجتماعی پیامد های شوم، ناگوار و اجتناب ناپذیری را در پی دارد که از آن جمله ازدواج های اجباری، طلاق، خودکشی زنان و دختران، بیکاری زنان، فرار زنان و دختران از منزل، اعتیاد و فقر میباشد. که زمینه را برای انحرافات اجتماعی زنان مساعد میسازد.

در این مقاله بیشتر عوامل و پیامد های نابرابری جنسیتی تذکرو تمرکز صورت گرفته؛ و آسیب شناسی اجتماعی زنان در قبال نابرابری جنسیتی نیز از قلم نیفتاده است.

کلید واژه ها: جنس و جنسیت، نابرابری، نابرابری جنسیتی، نابرابری حقوقی، نابرابری سیاسی، نابرابری اجتماعی، نابرابری فرهنگی، نابرابری اقتصادی.

مقدمه

نابرابری جنسیتی یکی از پدیده‌های است که در بیشتر جوامع بشری دیده می‌شود و به عنوان یک مساله‌ای اجتماعی مانند سایر پدیده‌ها تحت تاثیر عوامل مختلف قرار دارد.

چنانکه همه ما میدانیم زنان در افغانستان دچار مشکلات زیادی اند، که تعصبات و نابرابری‌های جنسیتی یکی از این معضله‌هاست.

این نوشتار از آن جایی حایز اهمیت است که محتوای اصلی آن زن شهکار خلقت و ایجادگر تمدن بشری است. که در جوامع روبه توسعه‌ای مثل افغانستان به دلیل سطح آگاهی پایین، فقر فرهنگی، فضای حاکم سنتی و نبود ظرفیت و نیروی آگاه زنانه قشر زنان به عقب ماندگی فکری گرفتار است؛ و این مساله باعث شده تا از هویت یابی، حضور و نقش که در جامعه به ارمغان می‌آورد بی‌خبر بماند و همواره با نابرابری‌های جنسیتی دست و پنجه نرم کند.

هدف اصلی این پژوهش مقایسه احساس نابرابری جنسیتی در نهاد‌های اساسی جامعه، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر احساس نابرابری، پیامدهای بوجود آمده از بطن نابرابری جنسیتی در جامعه افغانستان میباشد. در این مقاله تلاش به دریافت طرق رسیدن به عدالت و مساوات جنسیتی در افغانستان، تحلیل وضع رقت بار زنان، استرداد حقوق حقه‌ای زنان و در نهایت در یافت راهکارها برای از بین بردن نابرابری جنسیتی در افغانستان است.

نابرابری در قبال زنان در افغانستان موضوعی است که نیاز به بازبینی، تحلیل و پژوهش دقیق دارد تا یک راهکاری برای حل این معضله و منع نابرابری‌های جنسیتی به میان آید. بناء شیوه و میتود این نوشتار یک تحقیق کتابخانه‌یی است که عمدتاً از کتب در آن استفاده شده است. و آنچه را که من می‌خواهم در این رساله روشن بسازم مشکلات اجتماعی زنان است؛ که برای نابرابری جنسیتی زمینه را مساعد می‌سازد.

در این مقاله عوامل نابرابری جنسیتی و پیامدهای آن در پنج بعد سنجیده میشود: نابرابری در محیط خانواده و عوامل خانوادگی، عوامل فرهنگی، عوامل دینی و مذهبی در گیر در نابرابری‌ها، عوامل سیاسی و حکومتی و در نهایت نابرابری اقتصادی با پیامدهای بوجود آمده‌ای آن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد؛ و در اخیر راهکارها برای حل این معضله نیز پیشنهاد گردیده تا در آینده نابرابری‌ها تقلیل یابد.

مباحث نظری :

تعریف مفاهیم :

جنس و جنسیت : جنسیت و جنس مقوله زیست شناختی به معنای ویژگی های مردانه و زنانه است . گاهی این واژه ها به صورت مترادف به کار برده میشوند. در حالیکه جنس به معنای تفاوت های زیستی و طبیعی و جنسیت به معنای تفاوت های فرهنگی و اجتماعی میان زنان و مردان است . بنابراین تفاوت های جنسی ذاتی و غیرقابل آموزش بوده اما تفاوت های جنسیتی اکتسابی و آموختنی هستند و از طریق خانواده و جامعه نقش های خاصی به هر کدام (زن و مرد) داده شده و تفاوت های جدی در نقش آن ها پدید می آید . (حیدری ، 1396:ص214) .

برای روشن ساختن مطلب باید این دو معنی را از یکدیگر جدا کنیم ، ما میتوانیم جنس را تفاوت کالبد شناختی میان زنان و مردان از فعالیت های جنسی متمایز کنیم و جنسیت به تفاوت های روان شناختی ، جامعه شناختی ، فرهنگی بین زنان و مردان مربوط میشود (گیدنز ، 1376:ص192) .

پس جنسیت یک سازه ای فرهنگی (مجموعه ای از الگو های رفتاریاد گرفته شده) است که بخشی از این باور های جنسیتی نوعی نابرابری ساختاری را در جامعه بوجود می آورد که به محرومیت جنس ضعیف ترمی انجامد و به تعبیری میتوان آن را نابرابری جنسیتی قلمداد کرد .

نابرابری : در لغت به معنای عمل متفاوت و متمایز ساختن چیزهاست. تفاوت گذاشتن متعصبانه و غرض آلود بین مردم و عدم رفتار مساوی با افراد مساوی با افراد در حالیکه دلیل موجهی برای برتری عده ای بر دیگران وجود ندارد، یا دادن امتیاز به گروهی از مردم بدون دلیل موجه نابرابری است . ویا به عباره ای دیگر نابرابری رفتار متفاوت با افراد است در حالیکه هیچ تفاوت متعارضی بین آنهايي که ترجیح داده نشده اند؛ وجود ندارد. در مقابل آن واژه ای برابری قرار دارد : برابری به عبارت ساده به این معنی است که همه ای افراد با آنکه تفاوت های ظاهری زیادی با یکدیگر دارند ، اما در انسان بودن و خلقت با یکدیگر مشترک اند. وبنابراین کسی از کس دیگر برتر یا کمتر نیست و همه باید از امتیازات و حقوق برابر برخوردار باشند(حیدری، 1386:ص158) . در بحث نابرابری تفاوت های کمی و کیفی میان اقشار و طبقات مختلف و روند تحول در روابط میان آنها مورد توجه و تاکید قرار می گیرد . چنانچه دارندورف می گوید : زمانیکه هنجار ها در رفتار مردم تاثیر می گذارند ، ووقتی که رفتار بالفعل مردم به اساس هنجار ها سنجیده میشود ناگزیر نوعی سلسله مراتب پایگاه های اجتماعی پدید می آید . ولی برعکس برابری به معنی شانس ، حقوق و امکان لازم برای هر فرد جهت مشارکت در تحقق سرنوشت انسانی و احراز یک زندگی شایسته با توان خاص اوست . (ملک ، 1374:ص151) .

نابرابری جنسیتی : از نابرابری جنسیتی تعاریف متعددی ارائه شده : "اعتقاد به برتری یکی از دو جنسیت مذکر و مونث " گفتار، رفتار و منشی که از اعتقاد به فرو دستی زنان سرچشمه گیرد و موجب گردد که راه بر

ابراز وجود و فعالیت های زنان بسته شود. " نوعی ایدیولوژی مبتنی بر برتری یک جنس بر منزله ای موجودی که از نظر فکری، روانی و جسمی پست تر از مرد است جلوه گر میشود.

بنابراین میتوان گفت: نابرابری جنسیتی عبارت از تفاوت گذاشتن میان افراد براساس جنسیت آنان که منجر به تحقیر و تزییع حقوق افراد یک جنس بشود.

در ماده یک کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان، نابرابری جنسیتی این گونه تعریف شده است: عبارت "تبعیض علیه زنان" به معنای قایل شدن هرگونه تمایز به اساس جنسیت است که بر شناسایی و بهره مندی زنان از حقوق بشری و آزادی های اساسی شان، بر پایه مساوات با مردان، در تمام زمینه های زندگی اثر مخرب دارد یا اصولاً هدف آن از بین بردن این وضعیت است". (حیدری، 1396: ص 215).

نابرابری اجتماعی: اینکه زنان به اندازه مردان امکانات و فرصت های اجتماعی لازم را در جامعه ندارند.

نابرابری حقوقی: اینکه در جامعه قوانین به سود مردان اجرا میشود.

نابرابری فرهنگی: اینکه در تعالیم دینی و سنت های ما برابری زنان و مردان در نظر گرفته نشده است.

نابرابری سیاسی: باور به اینکه زنان به اندازه مردان امکان فعالیت و مشارکت سیاسی ندارند.

نابرابری اقتصادی: اینکه زنان از درآمد هم اندازه با مردان برخوردار نیستند و شرایط انجام کار بیرون از خانه برای آنان مساعد نیست. (خاوری و همکاران، 1392: ص 117).

تبعیض جنسیتی از مهم ترین نوع نابرابری ها محسوب میشود؛ نابرابری حتی به معنی خشونت نیز تلقی می گردد پس بی عدالتی و عدم رعایت حقوق زنان یعنی نابرابری جنسیتی در مقابل این قشر که هسته ای مهم از جامعه میباشد.

1-1 خانواده بزرگترین عامل نابرابری جنسیتی :

حقیقت غیر قابل انکار این است که نظم خانواده در افغانستان استوار بر نظام مرد سالارانه و بر مبنای قدرت مردانه است. منظور از نظام مرد سالار نوعی سیستم اجتماعی است که مردان اعضای خانواده دارای وسایل منابع اقتصادی را کنترل می کنند ، و تصمیم گیرندگان اصلی در تمام زمینه ها میباشند که در نتیجه اختیار از زنان سلب میشود.

در بستر خانواده مهم ترین موضوع بحران کیستی زنان است ، و مثال عینی آن این است که در افغانستان هر خانواده به گونه ای رفتار می کند که دختران را زیر نظر داشته باشند تا از چهارچوب هنجاری موجود فراتر نگذارند. و این هنجار را موضوع کاملاً طبیعی می پندارند در چنین شرایطی زن موجودی است که مهمترین وظیفه اش خانه داری و تابعیت از مرد است. و برعکس به گونه ای نابرابر به مردان حق تسلط بر زنان داده میشود. همین جاست که به گفته " بتی فرایدن " در کتاب " رازوری زنان " بحران هویت و نوعی بحران کسیتی زنان در محیط خانواده بوجود می آید.

* نکته ای دیگر شیوه تربیت فرزندان در خانواده هاست ، تعبیر استعاری " آدم دیگران " در خانواده بیان گر جفای تاریخی و تربیتی در حق فرزندان دختر بوده و این پندار غلط در خانواده ها موجب آن می گردد تا دختران را در خانواده در مرتبه فروتر از پسران قرار دهد. به طور مثال : تحصیل فرزندان پسر یک نوع سرمایه گذاری برای خانواده است ؛ ولی دخترن هرگاه به خانه ای بخت رفتند آدم بیگانه هستند و میزان بالای دانش آنها برای خانواده اهمیت ندارد. مهم ترین تاثیر اجتماعی این پندار که دختران " آدم دیگران " است تنزیل در موقعیت دختران در خانواده است . (طیب ، 1396 : ص 135-143).

* محیط ناسالم خانه پدری : غیر عادی بودن روابط بین اعضای خانواده به لحاظ ارزش های فرهنگی و قوانین و مقررات موجود مساله ای است که حیات خانواده و جامعه را تهدید می کند. فضای نارام خانواده عامل مهمی در گرایش به اعمال نابرابری است . خانم معروف از اعضای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در شهر قندهار گفته است : " شفاخانه میرویس قندهار در هر هفته دست کم 4 قضیه خودکشی دختران و زنان دارد " محیط ناسالم خانه ای پدری و تبعیض جنسیتی علیه دختران باعث میشود بیش تر دختران تمایل و عجله برای ازدواج برای ازدواج داشته باشند ؛ که نتیجه آن چیزی جز ازدواج ناموفق نخواهد بود (همان) .

در حالیکه همه ما میدانیم که حق تشکیل خانواده یکی از حقوق مسلم برای زنان و مردان است اما در عین حال ازدواج زیر سن قانونی ممنوع است. و طبق بند 2 ماده ای 16 کنوانسیون زنان تزویج قبل از سن قانونا بلااثر خواهد بود بنابراین از جمله مصادیق مهم نابرابری جنسیتی قانون و رویه ای است که در تعیین سن مناسب برای ازدواج میان دختر و پسر تفاوت گذاشته و ازدواج دختران در سن پایین رامجاز میداند (حیدری ، 1396 : ص 221).

* پندار نادرست ناموسی به زنان : در جوامع سنتی مثل افغانستان اصطلاح ناموس از جمله مفاهیمی است که ارزش منحصر به فردی دارد اعضای چنین جوامع خدشه دار شدن شرف و آبروی خود را درد ناک تلقی می

کنند؛ بر اساس این تلقی ناموس بر ایدهء بنا شده که برمبنای آن سربلندی و اعتبار مردان خانواده و قبيله تنها به رفتار خودشان وابسته نیست بلکه به رفتار افراد مونث خانواده وابستگی کامل دارد. در پندار ناموسی مدام خود را برتر از زن میدانند حتی به خود اختیار میدهد که دختر و خواهر خود را بکشد خانواده ها با این دید مرگ را تنها وسیله ای میدانند که میتواند رسوایی و بدنامی به وجود آمده را برطرف کند.

* دخالت اطرافیان به زندگی زوجین : در بسیاری از موارد در افغانستان پس از ترسیم چرخه ای نابرابری دیده شده است که بر علاوه ای دخالت خانواده پدری و خویشاوندان دخالت خانواده شوهر نیز عامل مهمی در شکل دهی خشونت و نابرابری بوده طوری که با زنان در خانه به اساس خرجی که در عروسی داشته است برخورد صورت می گیرد. از جمله دخالت های اطرافیان می توان به دخالت مادر شوهر ها در زندگی خصوصی پسران خویش همراه با عیب جویی های دایمی از عروس هایشان اشاره کرد. دخالت والدین به اندازه ای است که گاهی فرزندان شان را وادار به انجام خشونت علیه زنان می کند و در برخی موارد او را مجبور به طلاق می کنند به اساس یافته های بانک اطلاعات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال 2015 از مجموع خشونت ها و نابرابری ها ثبت شده 59 مورد آن ممانعت از دید و باز دید اقارب و 2 مورد نفی قرابت ثبت شده است (طیب ، 1396 : ص 146) .

نابرابری جنسیتی در برابر زنان در محیط خانواده باعث بحران تمام خانواده باعث بحران تمام خانواده میشود چون خانواده اولین و مهم ترین لانه ای ایجاد و رشد اشکال نابرابری جنسیتی میباشد که متأسفانه این قربانی ها اکثراً پوشیده و مکتوم باقی می ماند ؛ و از طرف نهاد ها و مراجع اجتماعی عدلی قضایی به سختی قابل کشف و اثبات اند ، چون رسوم و عنعنه برای خانواد ه حیثیت یک چتر حمایتی را در ادامه نابرابری ها دارد. هم چنان عوامل ساختاری ، روانی ، ذهنی و شناختی تاثیر زیادی بر نابرابری جنسیتی دارد. پذیرش ایدیولوژی و عقاید قالبی جنسیتی توسط زنان در بستر جامعه پذیری جنسیتی مخصوصاً در نهاد خانواده و تقسیم جنسیت یافته ای کار زمینه را برای باز تولید نابرابری در فضای خانواده فراهم میسازد .

1-2 عوامل فرهنگی :

نفوذ عمیق آداب و رسوم تبعیض آمیز توأم با نابرابری : با تمام پیشرفت های که در سیاست گذاری های کلان صورت گرفته به عنوان یک واقعیت خارجی به خصوص در روستا ها و مناطق دور افتاده ، این هنجارها و آداب و رسوم ظالمانه ای سنتی است که بر سرنوشت زنان حاکمیت دارد. طبق گزارش افغانستان به کمیته ای رفع تبعیض علیه زنان هنوز مطابق عادات و رسوم تبعیض آمیز با زنان برخورد ناسالم صورت میگیرد. وضع محدودیت در قبال برخوردار زنان از حقوق قانونی و دسترسی به محاکم در تمام افغانستان مبتنی بر پایه های فرهنگی بوده و خروج زن از خانه بدون اجازه شوهر یک نوع هنجار شکنی محسوب میگردد. خانواده های افغانستان هنوز هم الگو های متفاوتی برای جامعه پذیری زنان و دختران دارند. این جامعه متفاوت دختران نسبت به پسران باعث میشود که پسران با توجه به نقش های که برعهده دارند از اقتدار و منزلت بیشتر

وبالتر برخوردار شوند این اقتدار که حتی از سوی خود زنان نیز پذیرفته شده است . باعث بسیاری از نابرابری ها هم در درون خانواده وهم در سطح جامعه افغانستان شده است . (حیدری ، 1396:ص 234) .

عمده ترین مشکلی که مابان مواجه هستیم فرهنگ و برداشت های ناسالم جامعه از زن و جایگاه آن هست که همه ای مشکلات وموانع دیگر نیز به همین مشکل بر می گردد وسنت های سخت گیرانه نیز از همین فرهنگ تغذیه میشوند. فرهنگ و برداشت های نادرست جامعه از زنان به طور خلاصه این ها اند:

1: تربیت اجتماعی برمبنای نابرابری وتبعیض جنسیتی . 2: تعاریف فرهنگی نادرست از جایگاه زنان ومردان در ارتباط با نقش ها وانتظارات . 3: اعتقاد به برتری ذاتی مردان نسبت به زنان . 4: مفهوم خانواده به عنوان حوزه خصوصی وتحت نظارت مردان. 5: نگاه ابزاری به خشونت به عنوان تنها عاملی حل وفصل مشکلات خانوادگی واجتماعی .

در افغانستان زنان دربسیاری ازموارد از حقوق اساسی خود محروم اند ، یکی ازاین محدودیت ها، محرومیت ازنام وهویت است درحالیکه گرفتن نام زن در قانون شرع وفرهنگ شرم نیست وعرف موجود ساخته و پرداخته ذهن افراد در چهارچوب فرهنگ است که ازنام گرفتن زن در جامعه که ریشه در عرف دارد وناشی از غرور کاذب در میان بخشی از جامعه است مردان احساس شرم می کنند . پس فقر فرهنگی عامل اصلی از بین بردن هویت زن است و همین ناهمگونی های فرهنگی مهم ترین عامل برای بستر سازی نابرابری جنسیتی است . (طیب، 1396 : ص148) .

1-3 عوامل سیاسی :

*خودکامگی واستبداد: که در طول تاریخ ازویژگی های حکومت های پادشاهی مطلقه است وافغانستان مدت ها گرفتار چنین حکومت های سلطنتی استبدادی بوده است. در چنین وضعیتی طبیعی است که از آزادی حقوق شهروندی و عدالت قضایی کوچک ترین رد پایی باقی نماند. در این نوع فضای مملو از استبداد بسیاری از زنان مغلوب وبه عنوان برده خرید وفروش شدند . (حیدری ، 1396: ص 222) .

چون افغانستان درطول تاریخ یک جامعه مرد سالار بوده وزنان اغلب در صحنه های سیاسی - اجتماعی غایب بوده اند میتوان گفت که دولت در ایجاد چنین نابرابری ها دخیل بوده است .

*حاکمیت قوانین عرفی جرگه ها : آنچه که در افغانستان قابل اهمیت است سیستم غیررسمی جرگه ها است. این مشکل از آن جایی به وجود آمده است که متاسفانه در اثر جنگ های طولانی وفروپاشی ساختار اجتماعی -سیاسی میکانیزم حل منازعات نیز تحت تاثیر قرار گرفته است . از این رو در بعضی مناطق زنان هیچ گونه مصونیتی در قبال خشونت ونابرابری ندارند . حتی گزارش های ناتوانی خانواده هارا در برابر خشونت های زور مندان تصدیق می نماید . مثلا : بد دادن که به عنوان یک راه حل جهت حل منازعات قبایل پنداشته میشود. وجود آن نه تنها نوعی خشونت علیه زنان بوده که موجب میشود قوانین کشور نقض شود (کمیسیون مستقل حقوق بشر ، 1382) .

* جنگ : تاریخ نشان داده است که هر جا خشونت باشد بیش از همه حقوق زنان پایمال میشود و این عینی ترین نمود خشونت خشونت جنگ است. (زاهدی ، 1386: ص 183) .

افغانستان چهار دهه جنگ خشونت را تجربه کرده است بر اساس گزارش ها در جریان جنگ و فقدان حاکمیت قانون ، فقر ، ناامنی ، تجاوز و قاچاق زنان افزایش بی سابقه داشته و ازدواج های زود هنگام که 60 تا 70 درصد کل ازدواج های کشور را در برمی گیرد ؛ نابرابری های جنسیتی در سطح خانواده و خیابان آزاری از دیگر پیامد های جنگ های دوامدار در افغانستان میباشد. (رضایی ، 1395: ص 167)

*عدم پابندی به تعهدات بین المللی : افغانستان عضو تمام تعهدنامه های بین المللی حقوق بشر به شمول میثاق بین المللی محو همه اشکال نابرابری میباشد، در ماده 7 قانون اساسی افغانستان آمده است : " دولت باید تمام منشور های ملل متحد و اعلامیه های جهانی حقوق بشر را رعایت نماید " اما علیرغم توصیه های قانون اساسی در سطح کشور به این تعهد نامه پابندی ننموده که حتی به زنان در حوزه سیاست نقش کمرنگ نسبت به مردان داده است . (دقیق ، 1392 : ص 43) .

*زنان محروم از حقوق سیاسی : در ماده 25 کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و بخش دوم کنوانسیون رفع همه ای اشکال تبعیض و نابرابری علیه زنان بیان شده است. با توجه به این هنجار ها مهم ترین مصادیق نابرابری در بخش حقوق سیاسی عبارت از :

1: نفی حق رای : اگر قانون یا رویه ای مانع شرکت زنان در انتخاب نمایندگان شان برای اداره ای امور عرصه عمومی بشود ، در مورد یکی از مهم ترین حقوق زنان تبعیض صورت گرفته است.

2: نفی صلاحیت زنان برای احراز برخی از مناصب عمومی : مصداق دیگر نابرابری جنسیتی در حقوق سیاسی این است که صلاحیت زنان در کسب برخی از مناصب حکومتی مانند ریاست جمهوری ، وزارت ، قضاوت و مانند آن ، پذیرفته نباشد و زنان به دلیل جنسیت شان ، از رسیدن به این مناصب ممنوع باشند که دقیقاً شاهد هر دو نوع نابرابری به صورت عینی بوده ایم (حیدری ، 1396 : ص 219) .

1-4 عوامل تعارض با برداشت های حاکم دینی :

واقعیت این است که برابری جنسیتی که در قانون اساسی و قوانین ایجاد شده و زمینه مشارکت فعال زنان را در بیست سال اخیر از سال (2000- 2021) در جامعه فراهم ساخت توسط اکثر نهاد های دینی و افراد متدین افغانستان مخالف احکام دینی قلمداد میشود. این نهاد ها و افراد برابری کامل حقوق زن و مرد را برخلاف ارزش های اسلامی و مضر به حال اجتماع میدانستند به هر حال احساس تعارض میان ارزش های حقوق بشری از جمله برابری جنسیتی از یک طرف و احکام اسلامی از طرف دیگر ، یکی از چالش های عمده ای مساله حقوق زنان بوده و یکی از زمینه های توجیه کننده تبعیض جنسیتی در افغانستان است. با توجه به عمق نفوذ دین در زندگی مردم این احساس تعارض اکثرًا به ضرر هنجار مخالف با برداشت دینی مردم تمام شده و باعث ضعف یا نابودی کامل این نوع هنجار ها میشود. (حیدری ، 1396 : ص 233) .

سنت که ما امروز از آن سخن می‌گوییم اسیر کمند فهم ما به عنوان مسلمان است. ما آن را نه از سرچشمه ای اصلی بلکه از شریعت می‌گیریم که خود بیش از آن که بر ساخته ای متون اصلی اسلامی باشد بر ساخته ذهنیت متکثر است. برآیند چنین سنتی در مورد زن همان است که امروز شاهد آن هستیم. از این دیدگاه هویتی که سنت می‌تواند برای زن افغانی بسازد هویتی است شی‌گونه؛ لذا امروز در افغانستان چه سنت را به مفهوم رسم و رواج محلی وقومی بگیریم و چه به مفهوم میراث مدون اسلامی هر دو یک هویت را برای زن افغانی پیشنهاد می‌کند. (طیب، 1396: ص 152).

*ریشه های دینی نابرابری: حتی از نظر تاریخی برابری حقوقی و جنسیتی زن و مرد همیشه مورد اعتراض علما و نهاد های دینی قرار گرفته و مبنای توجیهی نابرابری هم برخی از متون دینی بوده است. به عنوان مثال جواز تعدد زوجات برای مرد، نداشتن حق طلاق، نداشتن حق حضانت، سهم کمتر میراث، دیه کمتر ممنوعیت از قضاوت و شهادت از جمله نابرابری های است که با استناد به متون دینی توجیه شده است. و برزن واجب است از شوهرش مطلقاً تمکین کند و در صورت عدم تمکین با شرایطی مرد حق دارد بدون مراجعه به دادگاه او را تادیب کند. حتی نهاد های مذهبی و علما دینی از خشونت نامعقول توأم با نابرابری در قالب کودک همسری از (ازدواج دختران در سنین 9 الی 17) دفاع می‌کنند. که این خود به نحوی از انحای بحران هویت دینی محسوب میشود. متأسفانه امروز گروه های محافظه کار مذهبی و عنعنه گرایان محلی در صدد اند تا جلو تحول دانش دختران و زنان را به موعظت دینی خود جلب کنند. (کاظم، 2005: ص 558).

5-1 نابرابری اقتصادی:

نابرابری و خشونت اقتصادی به گونه های متفاوتی در افغانستان اتفاق می‌افتد. آمار های کمیسیون حقوق بشر افغانستان نشان میدهد. که در جریان سال 2015 در حدود 1098 مورد خشونت اقتصادی علیه زنان در دفاتر کمیسیون به ثبت رسیده است. این رقم 21/4 درصد کل موارد خشونت علیه زنان را در سال مذکور شامل میشود. که عدم تامین نفقه در میان انواع ثبت شده ای خشونت و نابرابری اقتصادی در صدر جدول نابرابری جنسیتی قرار دارد. این رقم 823 مورد در کل موارد نابرابری اقتصادی را در بر می‌گیرد. 21 مورد ممانعت از حق کار 77 مورد منع تصرف در ارث، 96 مورد منع تصرف در اموال شخصی و 79 مورد نپرداختن مهریه میباشد. بی سوادگی گسترده و فقدان تخصص موجب شده که زنان همواره از لحاظ اقتصادی به همسر و دیگران وابسته باشد. در واقع زنان افغانستان غالباً به آن نوع فعالیت های اقتصادی مبادرت می‌ورزند که جنبه غیر رسمی سنتی دارد، مانند: قالین بافی یا کار در مزارع و مال داری که هیچ ثمره ای اقتصادی برای آنان ندارد. (کمیسیون حقوق بشر، 2015).

دوم وابسته گی اقتصادی زنان به مردان و عدم استقلالیت مالی آن ها دانست.

در مورد تبعیض و نابرابری اقتصادی بند 2 ماده 23 اعلامیه جهانی حقوق بشر به مساله منع تبعیض در کار در خصوص در یافت اجرات مساوی در مقابل کار مساوی اشاره کرده و آورده است: " هرکس حق دارد بدون هیچ نوع تبعیض در مقابل کار مساوی اجرت مساوی دریافت کند ". (حیدری، 1396: ص 165).

1-2 پیامدها و آسیب شناسی نابرابری جنسیتی : ازدواج های اجباری پیامد نابرابری جنسیتی :

چون در بسیاری از فرهنگ ها پیوند ازدواج ، سیستمی از مبادله ای اموال و کالا هارا نیز به همراه دارد. ازدواج های زود هنگام، مهریه و شیر بهای سنگین منجر به ازدواج های نامناسب میشود. در حالیکه رویکرد حقوق بشری از این فرضیه آغاز میگردد که حقوق زن و جامعه و حقوق خانواده کاملا به هم گره خورده اند. و ازهمدیگر تفکیک نمیشوند. ولی ازدواج های نامناسب موجب نقض این رویکرد میشود. متأسفانه ازدواج اجباری در سنین پایین عامل بوجود آمدن نابسامانی های اجتماعی میشود تا جایی که حدود 60 الی 80 فیصد ازدواج ها در افغانستان را شامل میشود ، به این علت خودسوزی های زنان در حال افزایش است. در گزارش حقوق بشر آمده است : " 75 درصد از دختران قبل از رسیدن به سن قانونی ازدواج میکنند که در این میان 57 درصد زنان از ازدواج خود ناراضی هستند ". که پدیده ای خودکشی را میان زنان دامن زده است ؛ و بیش از 38 درصد زنان افغانستان برخلاف میل شان به شوهر داده شده اند. (رضایی ، 1395 : ص 55-57).

موضوع دیگر تعدد زوجات است ، که در کشور ما بر پایه اصول اخلاقی و در مسیر اهداف اسلام صورت نمی گیرد ؛ و در اغلب موارد در راستایی تنوع طلبی و هوس رانی مرد صورت می گیرد و زنان از جانب شوهران شان به نابرابری جنسیتی مواجه هستند ؛ که موجب نفاق نظام خانوادگی میشود . (همان).

طلاق پیامد نابرابری جنسیتی : در جوامع سنتی مانند افغانستان پیامد طلاق برای زنان مطلقه به مراتب سخت تر و پیچیده تر است . چرا که تفکر مسلط مردان بر زنان " سوختن و ساختن " مساوی با " توانایی اداره زندگی برای یک زن " به شمار میرود. اگر به هر دلیلی طلاق صورت بگیرد زن در افغانستان به مثابه ای یک انسان ناتوان شناخته میشود. بنابراین به محض وقوع طلاق ضربه اقتصادی شدیدی را محتمل میشود. و طلاق برای زنان افغانستان یک نا امنی همه جانبه را سبب میشود . از هم گسیخته گی خانواده ، چالش ها در جامعه پذیری فرزندان، جدا شدن هویت زن و مرد ، محروم شدن زن از رفاه و مزایای زندگی ، گرایش زنان به مواد مخدر ، روسپی گری همه از پیامد های طلاق است که از نابرابری جنسیتی نشات میگیرد. (رضایی ، 1395 : ص 79).

2-2 خودکشی پیامد نابرابری جنسیتی :

*تحمیل خواست های نامشروع به زنان : هنگامی که علت خودکشی زنان مورد بررسی قرار می گیرد پرده از راز های تجاوزات درون خانواده برداشته میشود و مشخص میگردد که زنان قربانیان خواست های نامشروع هستند که به دلیل فقدان آگاهی و انحرافات اخلاقی به وجود می آید که از این رو فشار های متناوب روانی موجب میشود که نوعروسان مورد تهدید واقع شده دست به خود سوزی بزنند.

*فقدان آگاهی های لازم در برخورد با مسایل : یافته های تحقیق میدانی پیرامون علل خودکشی زنان در حوزه جنوب غرب افغانستان نشان میدهد که 63/2 درصد افراد صاحب نظر که در رابطه علت خودکشی زنان مورد سوال قرار گرفتند ، " ناآگاهی و بی سوادی زنان " را عامل این حوادث دانسته اند .

* قیودات خانوادگی : زنان و دختران نظر به شرایط دشوار مرگ را به زندگی ترجیح میدهند تاجایی که 97/2 درصد پرسش شونده‌گانی که از میان اعضای خانواده قربانیان انتخاب شده بودند اعتراف کرده اند که رفتار ناشایست خانواده موجب تصمیم به خودکشی آنان شده است.

* فقر : یافته‌های تحقیق ساحوی حوزه جنوب غرب افغانستان نشان میدهد که بیشتر قربانیان خودکشی زنان و دختران متعلق به خانواده‌های فقیر بودند و 41/9 درصد قربانیان فقر اقتصادی را به عنوان عامل خودکشی خود پذیرفته اند از این رو میان فقرو خودکشی زنان رابطه معنی داری وجود دارد. چرا که فقر خود بستر و شرایط اعمال نابرابری‌های جنسیتی را مهیامیسازد. (رضایی، 1395: ص 139-145).

بیکاری پیامد دیگر نابرابری جنسیتی:

مسئله از نظر توزیع فضای بی‌کاران و درصد بیکاری در افغانستان میان زنان و مردان افغانستان تفاوت‌های وجود دارد و تنها 25 درصد مشاغل دولتی در اختیار زنان قرار دارد. که 35 درصد این زنان برای ادامه کار خود بامانعی از سوی نزدیکان مواجه هستند. حتی در ادارات و وزارت خانه‌ها دسترسی زنان به پست‌های بالاتر وجود ندارد و زنان در پست‌های پایین باقی می‌مانند. هم‌چنان ازدواج زود هنگام، فقر خانواده‌ها، عدم دسترسی زنان به تحصیلات عالی و... مانع دسترسی به بسیاری مشاغل است.

باید گفت عدم دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی از این موارد نشات می‌گیرد:

1: وجود نگرش‌های خاص که زنان را از بسیاری مشاغل منع می‌کند. 2: عدم دسترسی زنان به آموزش‌های عالی و حرفه‌ای 3: عدم دسترسی زنان به منابع اقتصادی هم‌چون اعتبارات مالکیت وارث (همان). یکی از دلایل این امر این است که در خانواده‌ها معمولاً به فرزندان دختر نگاه درجه دوم می‌گردد و از آن جهت که فرزندان پسر میتوانند کارکنند و در امور معیشتی خانواده‌ها کمک نمایند دختران نباید به ایفای وظیفه بپردازند. برعلاوه در جامعه سنتی و قبیل‌ای مانند افغانستان هیچ‌گونه استقلالیت مالی زن موزد تایید نیست. در این جامعه نقش زنان فقط خانه‌داری است. این در حالی است که زن و مرد به طور مساویانه از حق مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی برخوردار اند. (طیب، 1396: ص 140).

به طور کل در سراسر افغانستان قیودات و نابرابری‌های سنتی در رابطه با تقسیم کار، نوع و محل کار در میان زن و مرد وجود دارد که فرصت‌های شغلی کمی را در اختیار زنان قرار میدهد. در شاخص توسعه جنسی افغانستان در آخرین فهرست قرار گرفته و تولید ناخالص سرانه در سال (2002) برای زنان (42) دالروبرای مردان 1182\$ دالر برآورد گردیده که این موقعیت افغانستان بیانگر نابرابری شدید بین وضعیت اقتصادی زنان و مردان است.

این درآمد کم و سطح پائین معیار زندگی آنان، در زندگی نامناسب و وضعیت نامناسب صحتی و تعلیم تریبیه آنان انعکاس یافته است. (Gender Development indicator.)

2-3 فرار دختران از منزل پیامد نابرابری جنسیتی:

عامل این پدیده غالباً شامل ازدواج اجباری و خشونت های جسمی و روانی می باشد که در نهایت با قتل های ناموسی خاتمه می یابد . کارشناسان معتقد اند که اکثر قریب به اتفاق زنان و دختران فراری حد اقل یکی از رفتار های کتک زدن توهین کردن ، زندانی کردن و مسخره کردن را تجربه کرده اند . در رابطه با جامعه شناسی فرار دختران و زنان این نکته قابل تامل می باشد که زنان از کم ترین امنیت روانی و جانی برخوردار نیستند و با رفتار های تبعیض آمیز و نابرابر تهدید و توهین می شوند از اینرو نه به دلیل رسیدن به آرزو های بلند پروازانه یا به خیال آزادی از تمام قیودات اقدام به فرار می کنند ؛ که به دلیل حق حیات و امید به زنده بودن دست به چنین کاری میزنند .

2-4 اعتیاد به مواد مخدر : مطالعات نشان میدهد که زنان بیشترین نیرو کار را در تولید تریاک به خود اختصاص داده اند در حالیکه آنها هیچ نقش در تصمیم گیری در جهت تولید تریاک ندارند ، چرا که آنها از تصامیم تحمیلی مردان پیروی میکنند در جامعه افغانستان که در آن محدودیت های اجتماعی سخت گیرانه به زندگی زنان وضع شده است ، چشم پوشی از اعتیاد زنان تعجب آور است .

طبق تحقیق که کمیسیون مستقل حقوق بشر در رابطه به اعتیاد زنان انجام داده است نه تنها برخی از زنان از انواع مواد مخدر استفاده می نمایند بلکه ، در کنار اعضای خانواده اقارب و آشنایان زندگی میکنند که آنها نیز به مواد مخدر معتاد هستند و به دلیل نا آگاهی زنان ، اعتیاد شوهر احتمال (2/52) فیصد اعتیاد زن را افزایش میدهد .

وزنان بنابر دلایل روانی و اجتماعی به استفاده مواد مخدر متوسل میشوند و آنان به تریاک بعنوان نوش دارو جسمی و مسائیل روانی و اجتماعی نگاه میکنند تا مشکلات خانوادگی را فراموش کنند . (رضائی ، 1395: ص 219) 2-5 فقر: فقر در افغانستان پدیده چند بعدی است که مشخصات آن کمبود شغل درآمد کم عدم دست رسی به انواع امکانات می باشد . سالهای تبعیض و نابرابری در برابر زنان توأم با فقر و ناامنی میگذرد ، تنها در کابل (500000) از زنان فاقد سرپرست هستند و تأمیل مخارج خانواده را بدوش میکشند . زنانه سازی فقر در افغانستان با سوی تغذیه ف محرومیت زندگی اجتماعی خشونت و عدم دسترسی به تسهیلات طبی به ظهور رسیده است . (گزارش ملی انکشاف بشری افغانستان، 2004) .

نتیجه :

در جریان این پژوهش به این نتیجه دست یافتیم آنچه که بیشترین سهم را در نابرابری جنسیتی و ادامه بلانقطاع فرهنگ مرد سالار دارد عبارت از ناآگاهی زنان از خود ، جامعه ای ماحول شان ، منفعل بودن زنان در برابر همه ای مسایل که به سرنوشت شان مرتبط است میباشد.

-یکی از ریشه های نابرابری جنسیتی فرهنگ ناپسند و غیردینی در جامعه افغانستان است که پیام صحیح دین پیرامون زن را دریافت نکرده است و تا زمانی که فرهنگ جامعه منحط است نابرابری هم دوام خواهد یافت.

-دانستیم که خانواده مهم ترین عامل در جامعه پذیری زنان است؛ و میتواند سنگ پایه های نابرابری جنسیتی را بنا نماید.

- در جریان این نوشتار دانستیم که نابرابری جنسیتی پیامد های جبران ناپذیری را در پی دارد . که زمینه را برای انحرافات اجتماعی زنان مساعد میسازد.

-این نوشتار حاکی از آن بود که دولت های مستبد و مشروطه خواه در افغانستان نسبت به مشارکت زنان در امور سیاسی بی توجه بوده است .

وتمام این عوامل دست به دست هم داده تا زنان را درمقایسه به مردان به عنوان یک موجود پست وپایین تر قلمداد نمایند.

پیشنهادات:

از نظر اقتصادی : افزایش رفاجتماعی 2: تلاش در ایجاد اشتغال برای زنان 3: حمایت از زنان شاغل و کار آفرین
4: حمایت از ارگان های اقتصادی زنان 5: زنان افغان باید بتوانند امکان کار و فعالیت اقتصادی را پیدا کنند تا
از یک طرف به مردان کمک کرده و از باردوش بودن نجات یابند. 6: اعمال سیاست های مالیاتی با هدف
دستیابی به توزیع عادلانه درآمدها.

از نظر فرهنگی : 1: ارتقا سطح آگاهی با کمک رسانه ها و علمای دین 2: ارتقا سطح آگاهی زندگی از طریق آموزش
در مکاتب و پوهنتون ها 3: آگاه ساختن خانواده ها از پیامد های شوم نابرابری .

از نظر حقوقی و سیاسی : 1: ایجاد کمیسیون های مشورتی جهت حل اختلافات 2: ایجاد تشکل ها وانجمن های
حقوق زنان برای مبارزه با نابرابری . 3: حفاظت زنان و دختران در مقابل خشونت ونابرابری جنسیتی در دوران
جنگ و صلح .

تاریخ این کشور از دیروز تا امروز برزنان تبعیض روا داشته وتاهنوز این سنت سیاه زا قدرت تداوم می بخشد
،مطمینا تا زمانی که ما به مبادی فرهنگ اصیل ودین واقعی خود دست نیابیم شرایط نابرابر تغییر نخواهد کرد

بررسی موضوع حاضر روشن ساخت که زنان با درک اینکه دارای خواست ها ومنافع مشترک اند وتنها باهم
بستگی ودرک شعوری ازموقعیت فرودستانه ای شان در برابر اجتماع مرد سالار به پیروزی می رسند جنبش
زنان را سامان داده وبرای رسیدن به برابری ، آگاهی ورشد فکری تلاش کنند .

خلاصه اینکه نباید فراموش کرد ؛ ساز وکار اجتماع را میتوان باخرد وکردار معقول دگرگون ساخت نه با فرهنگ
وسنت های نادرست موجود در مورد زنان .

منابع وماخذ

- 1: طيب ، عاطفه . (1396) . سنگ وسار . کابل : خدمات چاپ مقصودی .
 - 2: حیدری ، مخارحسین . (1396) . حقوق بشر . کابل : نشر وازه .
 - 3: رضای ، صدیقه . (1395) . آسیب شناسی اجتماعی زنان افغانستان . کابل : انتشارات خراسان قدیم .
 - 4: گیدنز ، آنتونی . (1389) . جامعه شناسی . ترجمه حسن چاوشیان ، تهران : نشرنی .
 - 5: کاظم ، سید عبدالله . (2005) . زنان زیر فشار عنعنہ و تجدد . محل چاپ : کالفرنیا .
 - 6: دقیق ، محمد رحیم . (1392) . قانون اساسی افغانستان 1301 - 1382 . کابل : مطبعه طباعتی و صنعتی احمد .
 - 7: زاهدی ، دوکتور شمس السادات . (1386) . زن و توسعه . تهران : دفتر پژوهش های فرهنگی .
 - 8: ملک ، حسن . (1374) . جامعه شناسی قشرها و برابری های اجتماعی . تهران : انتشارات دانشگاه پیام نور .
 - 9: خاوری ، کبرا ، حمیرا سجادی ، کرم حسیب پور ، مهدی طالبی . (1392) " رابطه ابعاد احساس نابرابری جنسیتی با سلامت روان " فصل نامه علمی - پژوهشی رفا اجتماعی ، دوره سیزدهم ، شماره 48 .
 - 10: زنان و راه طولانی تا دست یافتن به عدالت / کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ، کابل : سال 2015 .
 - 11: گزارش ملی انکشاف بشری افغانستان : در سال 2004 . UNDP صفحه 40 .
 - 12: تحقیق خشونت علی زنان ، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان . کابل : سال 1383 .
 - 13: گزارش انکشاف ملی افغانستان ، برنامه انکشافی ملل متحد ، (2004) .
- Gender Development Indicator(GDI) .
- 14: ریشه های فرهنگی و دینی تبعیض زنان : قابل دسترس در سایت :

[Https:// WWW.etilaatroz.com](https://WWW.etilaatroz.com).